



نهضت مقاومت ملی ایران

# اصول فکری و برنامه سیاسی

---



\*\*\*

# اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

بنیانگذار نهضت مقاومت ملی ایران  
National Movement of the Iranian Resistance  
NAMIR  
Founded by Chapour Bachtouz

\*\*\*

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

هم‌میهن گرامی،

در تاریخ ۱۴ مردادماه ۱۳۵۹ آقای دکتر شاپور بختیار از گروه‌ها و شخصیت‌های ملی دعوت به عمل آورد که به دور یک برنامه سیاسی تحت عنوان نهضت مقاومت ملی ایران نیروهای خود را متحد کنند.

با توجه به استقبالی که از این دعوت به عمل آمده است و گروه‌ها و شخصیت‌های مقیم داخل و خارج کشور وابستگی، پشتیبانی و یا علاقه خود را نسبت به نهضت مقاومت ملی ایران اعلام داشته‌اند، هیأت مؤسس نهضت مقاومت ملی ایران به منظور متشکل کردن این نیروها نسبت به تهیه، تنظیم و تدوین اصول فکری نهضت و برنامه سیاسی آن، همچنین تدارک اساسنامه‌ای مقدماتی برای شکل بخشیدن به مبارزات ملی اقدام به عمل آورده و امیدوار است که برنامه سیاسی و اساسنامه پیشنهادی نهضت، که در یک کنفرانس ملی به نظرخواهی گذارده خواهد شد، امکان مشارکت همه سازمان‌ها، گروه‌ها و نیروهای ملی را به صورت دموکراتیک در کلیه نهادهای نهضت مقاومت ملی ایران، برای نجات وطن، فراهم سازد.

پار  
National Movement  
Founded by Chapour



www.namir.info  
16dey.info  
radioiraninfo

توضیح:

متن زیر رونوشت «اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران» است که در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۵۹ برابر با ۱۵ آذرماه ۱۹۸۱، انتشار یافته بود و اکنون به مناسبت سی و نهمین سالروز تأسیس نهضت مقاومت ملی ایران در ۱۴ مردادماه ۱۳۵۹، روز مشروطه در ایران، با تغییراتی که در حروف و علامت گذاری در جمله‌ها منظور شده است، عیناً منتشر می‌شود و در اختیار هموطنان قرار می‌گیرد.

نشریه اینترنتی نهضت مقاومت ملی ایران  
<https://www.namir.info>

## هیأت مؤسس نهضت مقاومت ملی ایران

### مقدمه

در سال ۱۳۵۷ جهان شاهد جنبش پرخروشی در ایران بود. در تحلیل این پیش آمد تعبیرها و سخن‌ها بسیارند. برخی برآنند که در این حادثه سهم تعیین‌کننده از آن ملت ایران است و برخی باور دارند که سیاست‌های بیگانه طراح و مجری آن بوده است و هر یک از این دو گروه برای اثبات نظریه خود اسناد، مدارک و نیز شواهد و قراینی ارائه می‌دهند.

در این مقدمه ما قصد نداریم که این حرف و سخن‌ها را برابر نهیم و یا خود نظریه‌ی دیگری ارائه دهیم، بلکه برآنیم که آنچه را که پیش‌آمده است، نشان دهیم. ملت ایران در نمایش عظیم و پرشکوه خود خواهان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بود. حال آنکه دستاورد آن برای مملکت انزوای بین‌المللی، ورشکستگی اقتصادی، جنگ داخلی و خارجی و برای ملت سرافکندگی، بیکاری، فقر و فلاکت از یک طرف و رعب و وحشت از طرف دیگر بود و این بدین معنی است که دستاورد قیام تاکنون درست عکس هدف‌ها و خواسته‌های ملت بوده است و این امر الزاماً ناشی از طبیعت راه و روالی است که رهبری فعلی بر مملکت تحمیل کرده است.

آنچه در این دوران پرآشوب بر ایران و ایرانی گذشته و می‌گذرد، برای تمام مردم وطن دوست و حساس سخت دردآور است و برخی را برانگیخته تا چاره‌ای بیاندیشند؛ در داخل کشور با تمام فشار و اختناق که رژیم آخوندی برقرار کرده است، بسیاری از وطن‌پرستان، آزادمردان چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی دست به اعتراض زدند و با سخن و کردار، تظاهر و تحصن و گاه به گاه با مبارزه مسلحانه بپا خاستند. اما از آنجاکه این تلاش‌های مردانه از هم آهنگی برخوردار نبوده، تاکنون حاصلی ببار نیاورده است. در خارج از کشور، میهن‌پرستان با نگرانی فراوان به چاره نشستند؛ گروه‌هایی گرد هم آمدند تا فارغ از اختلاف سلیقه‌ها و کشمکش‌های عقیدتی، با پذیرش اصول یگانه‌ای مقدمات تشکیل یک جبهه واحد را در مقابل رژیم آخوندها فراهم آورند. این افراد و گروه‌ها به خوبی بر این امر آگاه بودند که برای کمک و تقویت میهن‌دوستان و آزادمردانی که در داخل کشور در تلاش‌اند ضروری است که آنها در خارج از مرزهای اختناق داخلی با استفاده از آزادی‌هایی که از آن برخوردارند در فراهم آوردن یک برنامه مشترک ملی و زمینه‌ی هم‌اندیشی و هم‌باوری اقدام کنند. فراهم آمدن چنین برنامه مشترکی در عین حال تأمین‌کننده شرایط اتحاد و یکپارچگی مبارزان در داخل کشور بوده و هم، وجود چنین برنامه‌ای به استقرار یک پیوند سازمانی بین مبارزان داخل و خارج کشور منجر می‌شود.

بررسی نوشته‌ها و گفته‌هایی که از طرف این گروه‌ها چه در داخل کشور و چه در خارج کشور تاکنون عنوان شده است همه حاکی از یک تفاهم ملی بر لزوم مبارزه با رژیم آخوندهای مهاجم و سلطه‌گر و پی‌ریزی یک نیروی جان‌نشین است که رسالت تحقق بخشیدن به خواسته‌های ملت ایران را به عهده بگیرد.

بررسی موضع‌گیری بعضی از گروه‌های سیاسی در ایران نسبت به رژیم کنونی در زمان‌های متفاوت نشان می‌دهد که چگونه برخی از این گروه‌ها که در ابتدای امر حامی و مدافع رژیم آخوندها بودند اینک به صورت مخالفین سرسخت رژیم کنونی درآمده‌اند.

برای فراهم آمدن برنامه مشترک ملی بر یک مبنای اصولی، به دست‌دادن تصویری از آرایش فعلی نیروهای سیاسی و گروه‌هایی که در تلاش حفظ یا به دست‌آوردن قدرت سیاسی هستند ضروری است و ما این تصویر را بر اساس نزدیکی و دوری گروه‌های مذکور نسبت به رژیم موجود از یک طرف و آرمان‌های یک حکومت ملی از طرف دیگر ارائه می‌دهیم.

آرایش فعلی گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی

### ۱ - جمهوری اسلامی:

این حزب را یک هسته‌ی مرکزی رهبری اداره می‌کند که به درستی برای مردم ایران شناخته نیست و در واقع منبع اصلی الهام رژیم فعلی است. در حال حاضر این حزب اکثریت آخوندهای متعصب را در برمی‌گیرد و در مجلس شورای اسلامی اکثریت دارد و نیز دولت را تماماً تحت اختیار خود گرفته است.

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

در آغاز قیام، این حزب یا این هسته‌ی مرکزی ناشناخته با سازمان دادن نیروهای تروریستی تحت عنوان حزب‌الله وارد میدان شد و یک‌به‌یک تمام رقبای خود را اعم از ملی یا آنهایی که در چارچوب مذهبی عمل می‌کردند با اعمال خشونت بسیار از میدان به در کرد و رهبری سیاسی مملکت را انحصاراً به دست گرفت.

هدف اصلی که این مرکز ناشناخته به دست حزب جمهوری اسلامی دنبال می‌کند در خلاف جهت آرمان‌های مردم ایران، سرکوب کردن ملیت ایرانی و ازمیان بردن امکان استقرار یک حکومت ایرانی مستقل است.

### ۲ - حزب توده:

این سازمان که با طرف‌داران اندک خود رسماً عضو یک سازمان بین‌المللی خاص می‌باشد، بنا بر طبیعت تمام احزاب کمونیست عضو این سازمان، در ایران به‌عنوان مجری برنامه‌های این سیاست بین‌المللی عمل می‌کند و هم برای اجرای این سیاست، به‌رغم تمام مبانی عقیدتی که ارائه می‌دهد از ابتدای جنبش با رژیم آخوندی همکاری آغاز نمود و تحت شعار حمایت از «خط امام» تبدیل به مؤتلف اصلی رژیم آخوندی شد. بدین دلیل تنها سازمانی است که غیر از حزب جمهوری اسلامی در ایران از آزادی کامل برای فعالیت سازمانی و تبلیغاتی برخوردار است.

### ۳ - هیأت مؤتلف آخوندهای بی‌عمامه:

این گروه متشکل از افراد و عناصری است که از اول کار به‌عنوان مؤتلفین یا شرکت‌کنندگان اصلی در رهبری انقلاب وارد میدان شدند ولی در میدان رقابت برای حفظ یا به دست گرفتن انحصاری قدرت از حزب جمهوری اسلامی شکست خوردند و موقعیت‌های خود را از دست دادند. اینک گروه مذکور یک جبهه ائتلافی تشکیل داده است که ابوالحسن بنی‌صدر به مناسبت موقعیت خاص سیاسی که به دست آورده است در حال حاضر مرکز آن است. بین اجزاء این هیأت ائتلافی غیررسمی که شامل بازرگان، بنی‌صدر، قطب‌زاده، یزدی و غیر اینهاست گروه‌های کوچک دیگری را نیز می‌توان بر آنها اضافه کرد. این گروه تاکنون هیچ نوع وجه مشترکی جز شکست خوردن از جبهه آخوندهای معمم ندارد و اگر در حال حاضر این جبهه مؤتلف خود را به‌عنوان تنها جانشین رژیم آخوندی معمم ارائه می‌دهد، به این دلیل است که در اثر ترور و خفقانی که رژیم حاکم بر مملکت تحمیل کرده است میدان خالی است و نیروهای ملی که تنها مظهر واقعی خواست‌های مردم هستند تاکنون موفق نشده‌اند که یک برنامه مشترک و یک اتحاد سازمانی به وجود آورده و آن را عرضه دارند. به طور طبیعی این دارودسته نیز بنا به گرایش‌های فکری نمی‌تواند معرف خواست‌های ملت ایران باشد.

### ۴ - مجاهدین خلق

مبانی فکری این گروه ملهم از مارکسیسم و اسلام است و قسمتی از نظرات علی شریعتی را نیز پذیرفته و با اتخاذ روشی متعادل گروهی را گردآورده است و با اینکه مورد حمله رژیم آخوندها واقع شده است در تصمیم‌گیری قاطع نسبت به رژیم متزلزل است و بیش‌وکم به گروه مؤتلف آخوندهای بی‌عمامه ابراز علاقه می‌کند. این گروه هم چنین موقعیت خود را نسبت به مسئله ملیت در مقابل حمله آخوندها علیه آن تعیین نکرده است.

### ۵ - چریک‌های فدائی خلق

با تکیه بر اصول مارکسیسم لنینیسم و اعلام استقلال خود از شوروی که آن را سوسیال امپریالیسم می‌دانست وارد عمل شد لیکن در مقابل حزب توده تاب مقاومت نیاورد و مجبور به انشعاب شد. پس از این انشعاب گروهی از آنان همچنان در تردید باقی ماندند و جز ابراز شعارهای پراکنده در مقابل رژیم آخوندها عکس‌العملی نشان ندادند. این گروه نیز با توجه به پایگاه عقیدتی خود نسبت به مسئله ملیت نظر مساعدی ندارد.

### ۶ - حزب جمهوری خلق مسلمان:

این سازمان که به اعتبار شخص آیت‌الله شریعتمداری تشکیل یافت، به دلیل انتخاب روش معتدل و مخالفت با رژیم آخوندی توانست نفوذ فراوانی کسب کند اما به دلیل نداشتن یک نظم سازمانی به دنبال یورش فاشیستی رژیم آخوندی و محدود ساختن

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

شدید شخص آیت‌الله شریعتمداری از میدان خارج گردید و در حال حاضر هواداران این حزب که با وجود ازدست‌دادن روابط سازمانی خود بسیار هستند جزء اسلام‌گرایان مخالف رژیم آخوندی می‌باشند.

### ۷ - شخصیت‌های منفرد:

شخصیت‌هایی که به صورت‌های متفاوت با رژیم آخوندی همکاری کردند و بیش‌وکم از جانب‌داران نهضت ملی مصدق بودند و همکاری آنان با آخوندها به‌عنوان «فرصت‌طلبی» قابل توجیه نیست. اینان پس از آشکار شدن ماهیت واقعی رژیم آخوندی از آن کناره گرفتند و در شرائط حاضر می‌توان این شخصیت‌ها را در زمره مخالفان جدی رژیم آخوندی بشمار آورد.

### ۸ - گروه سلطنت‌خواهان:

گو آنکه این گروه در مجموع هیچ‌گونه ابراز هویت سیاسی نکرده است ولی باید پذیرفت که در برابری با رژیم آخوندی به مبارزه برخاسته و به طور پراکنده از راه‌های مختلف ضمن ابراز مخالفت خود با رژیم آخوندی، خواهان استقرار رژیم سلطنتی است. از تلخیص و جمع‌بندی نظرات این گروه، دو خط اصلی فکری را می‌توان به طور متمایز تشخیص داد که یکی احیای نظام شاهنشاهی دیگری استقرار رژیم پادشاهی مشروطه است.

### ۹ - سازمان‌های قومی:

غیر از سازمان‌های ملی در سطح مملکتی، تمایلات قومی ملی و ضد آخوندی در اثر اعمال سیاست رژیم که هر نوع آزادی را از افراد و اقوام ایرانی سلب کرده است و می‌کند، به‌صورت هسته‌های مقاومت قومی ظاهر شده است که مهم‌ترین آنها را باید در کردستان جستجو کرد.

قوم کرد برای بهره‌مند شدن از حقوق طبیعی خود در یک ایران آزاد و مستقل با اراده‌ای نیرومند در مقابل سیاست رژیم آخوندی قیام کرد و اینک این مقاومت به‌صورت مسلحانه ادامه دارد و در سازمان‌های مختلف شکل گرفته است. اما سازمان‌هایی که همه در تحقق یک چنین هدفی فعالیت می‌کنند، نتوانسته‌اند تاکنون بین خود هم آهنگی لازم را به وجود آورند.

بدیهی است که خواست این سازمان‌ها مبنی بر برخورداری از حقوق قومی یکی از مبانی سیاسی - اجتماعی ایران آزاد و مستقل می‌باشد و آن سازمان‌هایی که از چنین برنامه‌ای پیروی می‌کنند جزء جدایی‌ناپذیر جنبش ملی وسیع ایران بشمار می‌آیند. این سازمان‌ها از پشتیبانی اکثریت قاطع مردم کرد برخوردارند.

### ۱۰ - گروه‌های ملی:

ویژگی ممتاز این گروه‌ها تمایلات ملی و ملیت‌گرایی است که هرگاه که خطری علیه اصل ملیت و مخدوش گردیدن آن احساس می‌کند عکس‌العمل متناسبی را با شدت بروز آن خطر ابراز می‌دارد.

گو آنکه چنین واکنش‌ها در برابر حمله‌هایی که به قوم بزرگ ایرانی وارد آمده، در تمام طول تاریخ ایران اندک نیست ولی در قالب مبارزات عقیدتی متعارف، شکل بنیادی این گروه‌ها در فقدان پایگاه‌های ایدئولوژیک مدون و مشخص است. به‌عنوان مثال چه در انقلاب مشروطیت و چه در جنبش آزادی‌خواهانه مصدق که در هر دوی آنها به طور اساسی سخن استقلال و آزادی، بنیاد فکری انقلاب و نهضت ملی بود، این مفاهیم هرگز به‌روشنی مشخص نگردید و در نتیجه نهضت‌های ملی در مقایسه با سازمان‌هایی که مبانی عقیدتی خود را به شکل مدون در دست داشتند (مثل مارکسیست‌ها) خالی از ضعف نبودند. با این‌همه جاذبه ملیت همواره طیف گسترده‌ای را گرد پرچمداران خود داشته و در اثر تجربه تاریخی حاضر، از یک‌سو و آگاهی به ضعف اشاره شده از سوی دیگر، در حال شکل‌گیری است و می‌رود تا به هویت عقیدتی خود نیز دست یابد و به یک خودآگاهی ایدئولوژیک برسد.

این گروه‌ها در حال حاضر به شرح زیر قابل ارائه‌اند:

#### الف - جبهه ملی:

این سازمان که بنا بر سنت تاریخی خود نمی‌توانست با رژیم آخوندی و هر رژیم ضد ملی دیگری توافق داشته باشد پیش از استقرار رژیم آخوندی به دلیل ضعفی که در اثر اختناق رژیم سابق دچار آن شده بود موفق به بسیج نیروهای ملی نگردید و متأسفانه تنی چند از سرشناسان آن به علت ضعف‌های شخصی و توجه نکردن به تضاد ذاتی میان آرمان‌های ملی و برنامه آخوندی، به دنباله‌روی از آن پرداختند، اما باقی رهبران و نیز جبهه در کلیت خود براه مستقل ملی ادامه داد و در حال حاضر مانند تمام گروه‌ها و تمایلات ملی در زیر فشار رژیم آخوندی به سر می‌برد. این سازمان در حال یکی از عناصر اصلی اپوزیسیون ملی است.

#### ب - گروه‌های ملی در داخل کشور:

به میزانی که چهره واقعی رژیم آخوندی آشکار می‌شد و امید استقرار یک حکومت مستقل و آزاد ملی از طریق ادامه وضع موجود به یأس مبدل می‌گردید، وطن‌خواهان و آزادی‌خواهان در داخل کشور به تشکیل جلسات بحث و گفتگو و کم‌کم به تشکیل گروه‌های متعددی دست زدند و بعضی از این گروه‌ها با پیگیری در تهیه زمینه‌های فکری و برنامه‌های یک جنبش ملی و آگاه تلاش خود را آغاز کردند و بر آن هستند که با یکدیگر نزدیک شده و شرایط لازم جهت تشکیل یک اتحاد ملی بزرگ را فراهم آورند.

#### پ - شخصیت‌های ملی:

شخصیت‌هایی که به دلیل وابستگی به شعایر ملی از ابتدا با برنامه آخوندی مخالفت کردند و آن را مغایر با نیازهای مملکت و خواست‌های اصیل ملت ایران دانستند. در میان این شخصیت‌ها، آنها که داخل کشور مانده‌اند یا آنکه مورد توجه گروه‌های ملی هستند به دلیل فشار و اختناق، قادر به فعالیت سیاسی آشکار نیستند و در انتظار به سر می‌برند تا با گسترش جنبش امکان شرکت آنها در این تلاش ملی فراهم آید.

در میان شخصیت‌های ملی که در خارج کشور در تلاش هستند، شاپور بختیار از دیگران سرشناس‌تر و فعال‌تر است. وی از آغاز با رژیم آخوندی به شدت ابراز مخالفت کرد و با گروهی از یاران خود به مبارزه با رژیم حاکم برخاست. در چهاردهم مرداد ماه ۱۳۵۹ مصادف با سالروز انقلاب مشروطیت ضمن پیامی به ملت ایران تشکیل نهضت مقاومت ملی ایران را اعلام کرد و از هم‌میهنان دعوت به عمل آورد تا مبارزات خود را با رژیم آخوندی در چارچوب این نهضت هم‌آهنگ سازند، تا با اتحاد تمام نیروهای ملی و با الهام از مکتب مصدق، امکان برانداختن رژیم خمینی فراهم آید. بی‌گمان این تمایل برخاسته از احساس ضرورت مبارزات ملی با تکیه بر یک خودآگاهی ملی است.

در حال حاضر که با پیوستن تعداد قابل ملاحظه‌ای از گروه‌ها و عناصر ملی به این نهضت و اظهار پشتیبانی و همکاری گروه‌ها و شخصیت‌های ملی که در داخل و خارج کشور با پیام‌های خود این حرکت را تقویت می‌کنند، نهضت مقاومت ملی به نقطه عطفی جهت شکل‌یابی آگاهانه رسیده است و با انتشار این متن به وجهی روشن برنامه خود را در چارچوب اصول و برنامه‌های زیر اعلام می‌دارد:

#### استقلال

استقلال و آزادی اصلی‌ترین شعار انقلاب و بنیادی‌ترین خواست مردم ما بوده و هست. اما از آنجاکه قیام مردم و دورانی که جامعه ما در آن مسیر به سر می‌برد، در تاریخ چند هزارساله ما نقطه عطف بسیار مهمی است، ضروری است که مبارزان راه آزادی و استقلال با تأمل و اندیشه در ترسیم راه آینده خود و فرزندان خود اقدام کنند و از این‌رو جای آن دارد که مفاهیم بنیادی یادشده به‌طور جدی مورد بررسی و سنجش قرار گیرند.

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

اولین سخن این است که استقلال و آزادی مفاهیمی هستند سخت به هم پیوسته و هریک از آنها شرط دیگری و نیز متقابلاً مشروط به دیگری است. اما در اصطلاحات سیاسی رایج، "استقلال"، در سطح جامعه و کشور و ملت بکار برده می‌شود و "آزادی" در سطح رفتارهای فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سخن دوم اینکه استقلال و نیز آزادی مفاهیم مجردی نیستند که ساخته ذهن این متفکر یا آن فیلسوف باشند بلکه واقعیاتی عینی هستند که با زندگی روزمره تمام جوامع بشری و نیز تمام مردم روی زمین سر و کار دارند و شرایط زندگی را در تمام جوانب آن تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهند.

سخن سوم اینکه وقتی پیکار برای استقلال از صورت شعار و حرف و سخن بیرون می‌آید و می‌خواهد بر یک واقعیت عینی تکیه کند، این سؤال پیش می‌آید که استقلال چه چیز در مقابل چه چیز؟ کدام واقعیت عینی است که برای رهانیدن خود از تبعیت پیکار می‌کند و کدام واقعیت عینی دیگر است که سعی دارد این تابعیت را بر اولی تحمیل کند. در مقابل این سؤال، دو مکتب فکری سیاسی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد و در واقع قسمت مهمی از تاریخ جوامع بشری را نبرد بین این دو مکتب فکری و اثرات آن تشکیل می‌دهد.

- با وجود اختلاف نظرهایی که از لحاظ جهان‌بینی و نیز الگوهای سیاسی - اجتماعی بین مکاتب جهانی وجود دارد تمامی این مکاتب در یک چیز مشترک‌اند و آن اینکه برای آنها افراد انسانی صرف‌نظر از وابستگی‌های قومی و سنن فرهنگی خود موجوداتی هستند که بر اساس نیازهای مادی و معنوی خود «بایستی» الگوی فکری آنها را بپذیرند و روال زندگی خود را بر اساس آن تنظیم کنند و هم برای این کار باید تحت سلطه حکومت یگانه‌ای درآیند که آن مکتب ارائه می‌دهد. برای این مکاتب، هرآنچه گروهی از انسان‌ها را به دلیل وابستگی‌های خاص قومی و فرهنگی پیوند می‌دهد و سبب می‌شود که جامعه‌ای متمایز از جوامع دیگر تشکیل دهد و روال خاص زندگی خود را برگزیند و در این گزینش مختار و مستقل باشد، بی‌معنی و محکوم به نابودی است.

- در این نوشته همه‌جا منظور از مکاتب جهانی مکاتب سیاسی جهانی است که در آنها بعد دولت و سیاست نقش اساسی را دارند.

دورنمای نظری که هریک از این مکاتب جهانی برای تمام بشریت در نظر دارد، جهانی است که در آن تمام انسان‌ها هویت‌های قومی، ملی و فرهنگی خود را ازدست داده‌اند؛ و همه تبدیل به تابعین بی‌هویت یک دولت و مرکز قدرت جهانی شده‌اند؛ و روال زندگی تمام بشریت را یک مرکز تصمیم‌گیری تعیین می‌کند؛ و هیچ‌کس قادر نیست که زندگی خود را، فکر خود را، در خارج از چارچوب یک چنین مرکز تصمیم‌گیری جهانی در اختیار گیرد و دلیل و برهانی هم که هریک از این مکاتب برای تحقق بخشیدن به چنین هدفی می‌آورد این است که جهان‌بینی و فلسفه‌ای که ارائه می‌دهد تنها جهان‌بینی و فلسفه‌ای است که برحق است و هر فکر و فلسفه دیگری خارج از آن باطل.

تاریخ چند هزارساله جوامع بشری تعداد چندی از این مکاتب را به خود دیده است و هریک از آنها موفق شده است در قسمتی از جهان کانونی کوچک یا بزرگ بر اساس فلسفه خود به وجود آورد و در توسعه و عظمت خود به قیمت سرکوب کردن مقاومت ملل دیگر، تلاش کند.

در حال حاضر صحنه مبارزات سیاسی ایران میدان رقابت انواع مکاتب جهانی شده است که اگر میهن‌دوستان، آزادی‌خواهان و استقلال‌طلبان تنها به نظاره بنشینند و در مقابل آنها قیام نکنند سرنوشت ما در هر حال این خواهد بود که به تبعیت این یا آن قدرت جهانی که حامل این مکاتب است درآییم.

با توجه به نکات بالا می‌توان به سؤالی که در قبل مطرح شد به این شکل پاسخ داد:



## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

آن دو واقعیت عینی که یکی برای سلطه و دیگری برای استقلال در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند واقعیت‌های قومی و ملی هستند. آن واقعیت عینی که برای سلطه‌جویی بر دیگران و از میان برداشتن استقلال آنها تلاش می‌کند یک واقعیت قومی است که خود را به لباس یک مکتب جهانی درمیآورد و از این مکتب آلت و ابزاری برای جهان‌خوارگی خود می‌سازد. از طرف دیگر واقعیت یا واقعیت‌هایی که تلاش می‌کند خود را از تبعیت مکاتب دیگر یا در واقع جهان‌خوارگی یک قوم سلطه‌جو که خود را به این مکتب مجهز کرده است رهایی بخشد، واقعیت‌هایی قومی و ملی است که باتکیه بر فرهنگ و هویت اجتماعی سیاسی خاص خود به مبارزه برمی‌خیزد.

ایران در تمامیت خود یعنی در اتحاد فرهنگی بین اقوام ایرانی یک واقعیت اجتماعی تاریخی است که در طول زندگی خود چند بار مورد هجوم این نوع جهان‌خوارگان قرار گرفته است و در حال حاضر نیز کشور ما و اقوام ایرانی در کلیت خود موضوع رقابت بین مکاتب جهانی و قدرت‌های جهان‌خوار برخاسته از آنها، قرار گرفته‌اند و در واقع قیام مردم ایران نیز جز یک عکس‌العمل انفجاری در برابر تلاش یکی از این قدرت‌های جهان‌خواره برای سلطه بر ایران چیزی دیگر نبود. اما همان‌طور که گذشت از آنجا که جامعه ما هنوز این آمادگی را نداشت که در مقابل سیاست‌های مکاتب جهانی و قدرت‌های ناشی از آنها به یک مبارزه آگاهانه دست بزند دچار سراب شد و تصور کرد که با توسل به یک هویت کاذب خواهد توانست خود را از قید سلطه بیگانگان آزاد کند.

تنها پایگاه محکم و غیر قابل‌تزلزلی که قادر است ما را در رهایی خود از سلطه قدرت‌های جهانی یاری بخشد و تلاش آنها را در استقرار حکومت‌های دست‌نشانده مانع شود همان هویت فرهنگی قومی و ملی ایرانی است. تصور ما این است که تجارب تلخ گذشته اگرچه به قیمت خون هزاران ایرانی و ویرانی مملکت و بر باد رفتن ثروت‌ها تمام شده است، این فایده را دارد که جامعه ما را از سرایی که بدان دچار شده است نجات داده و مردم ما را آماده این نماید که از مرحله عکس‌العمل و توسل به هویت کاذب در گذشته و با توجه به هویت اصیل فرهنگ قومی و ملی خود، یعنی تکیه بر آن واقعیت عینی که در جستجوی استقلال است، به دوران بلند مدت سلطه بیگانگان بر جامعه و مردم خاتمه دهد.

توجه به این امر و بازگشت به هویت قومی و فرهنگی خودی ما را متوجه این امر خواهد کرد که در جستجوی استقلال و آزادی، جامعه ما نیازی به عاریت گرفتن راه‌حل‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از بیگانگان و مکاتب جهانی ندارد. به تدریج جوانان و مبارزان سیاسی خواهند یافت که آنچه خود دارند بهبوده در نزد بیگانگان جستجو می‌کنند و هم، این توجه و آگاهی است که قادر خواهد بود این پراکندگی امروز را از میان بردارد و تمام نیروهای فعال جامعه را به دور یک برنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای استقلال جامعه متحد و متشکل سازد و شرایط ایجاد یک جامعه آزاد را نیز فراهم کند. تنها در یک چنین چارچوبی یعنی استقلال است که امکان آزادی فراهم می‌شود و تنها در آزادی است که ما قادر خواهیم بود شرایط عملی به وجود آوردن یک جامعه مستقل را فراهم کنیم و قادر شویم که در حفظ و حراست آن بکوشیم. استقلال امری نیست که یکبار برای همیشه به دست آید. در جهان پراشوب کنونی قدرت‌های جهانی و جهان‌خواره خود را به انواع وسائل مجهز کرده‌اند تا استقلال ملل را به اشکال مختلف مورد تهدید و تجاوز قرار دهند. نگاهداری استقلال مستلزم یک تلاش دائمی و به کار گرفتن سیاست واقع‌بینانه و مؤثری است که جز با تجهیز تمام استعداد‌های جامعه میسر نیست.

حال که روشن شد مبارزه برای استقلال خودی و تلاش برای ازمیان‌بردن استقلال دیگران در چارچوب واقعیت‌های قومی، ملی و فرهنگی صورت می‌گیرد؛ لازم است محتوی این چارچوب را نیز مشخص سازیم، گو اینکه بیان این مطلب درخور بحث جداگانه ایست.

۱- واقعی‌ترین، مداوم‌ترین و مقاوم‌ترین نیرویی که مجموعه‌ای از آدمیان را در محدوده یک جامعه به هم پیوند می‌دهد و علی‌رغم تمام اختلافات و تضادهایی که بین آن افراد و یا گروه‌هایی از آن افراد داخل این جامعه ظاهر می‌شود و آن مجموعه را در تمامیت خود از دیگر جوامع متمایز کرده و با آنها برابر می‌نهد، نیرویی است که روابط قومی بین افراد را پدید می‌آورد. چیزی به اسم «جامعه بشری» وجود ندارد (این اصطلاح سخت برای مکاتب سیاسی جهانی و جهان‌خواره عزیز است لیکن مفهومی است واهی و بدون هیچ واقعیت عینی). چیزی که واقعیت دارد "جوامع بشری متمایز" است. چنین جوامعی حدود و ثغور معین دارند و هم در این معنی با یکدیگر رابطه همسایگی، اتحاد (موقت، طولانی و ندرتاً دائمی)، خصومت، جنگ یا صلح به سر می‌برند. مهم‌ترین

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

مسئله اجتماعی که فضای ذهنی، فکری، احساسی، عاطفی و حتی عقلانی هر فرد بشری را به‌طور دائم اعم از آگاهانه یا ناآگاهانه اشغال کرده است تعلق قومی اوست. هرکس به‌خوبی می‌داند که به چه قوم و ملتی تعلق دارد و اگر رابطه‌اش با این مجموعه انسانی که قوم و ملت اوست قطع شود وجه مهمی از شخصیت و هویت فردی او لطمه می‌بیند. بسیاری از افرادی که در چنین شرایطی امکان ادامه‌ی زندگی را از دست می‌دهند.

۲ - ملاط همبستگی افراد در داخل یک چارچوب قومی را فرهنگ آن قوم تشکیل می‌دهد و این فرهنگ دو خصلت اساسی دارد: اول اینکه شرایط ارتباط و زندگی دسته‌جمعی بین افراد قوم یا ملت را فراهم می‌کند و در این معنی، عناصر ترکیب‌کننده فرهنگ عبارت‌اند از زبان که الزاماً بین افراد یک قوم مشترک است، جهان‌نگری که مخلوق فعالیت‌های فکری افراد آن قوم است و مشترک بین آنها است، ارزش‌ها که معیار تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی است و بالاخره نهادها و سازمان‌ها که بر اساس این ارزش‌ها به وجود می‌آیند و بدون اینکه در اصول خود تغییر کنند زندگی طبیعی و تاریخی خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهند. دوم اینکه همین فرهنگ، معیار اساسی تمایز این قوم با اقوام دیگر است.

۳ - برپایه ثابت و نسبتاً تغییرناپذیر، عناصر فوق با پیشرفت زمان و تراکم حوادث، مخلوقات و محصولات فکری و مادی که در داخل این فضای فرهنگی به وجود می‌آید خود به غنای فرهنگی می‌افزایند. فرهنگ با تاریخ و در تاریخ رشد می‌کند و قوام می‌پذیرد.

۴ - یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین محرکات غنای فرهنگی ناشی از شکل و حاصل برخورد یک قوم با اقوام مجاور است. تلاش برای درآمان ماندن از هجوم و سلطه اقوام مجاور و اقوام دیگر محرک به وجود آمدن، سازمان یافتن و تقویت ابزارهای دفاعی و یا تهاجمی قوم است. نتایجی که از این مخاصمات به دست می‌آید در حافظه دسته‌جمعی قوم تبدیل به جزء تجزیه‌ناپذیر هویت و شخصیت آن قوم می‌شود و آگاهی بر این سیر تاریخی، یعنی آنچه را که تاریخ مشترک قوم می‌نامند، سبب تقویت و استحکام همبستگی قومی می‌شود. به این دلیل است که هر قدر قومی قدیمی‌تر باشد و تاریخ آن پرحادثه‌تر، همبستگی داخلی آن بیشتر و مقاومت آن در برابر اقوام دیگر و نیز در مقابل نفوذ فرهنگی اقوام دیگر بیشتر می‌شود. از این‌رو است که همبستگی قومی و ملی مستمترترین، عینی‌ترین و طولانی‌ترین جلوه زندگی اجتماعات بشری است.

۵ - مجموعه "انسانی - فرهنگی" که بنا بر طبیعت زندگی طبیعی و بیولوژیک در سرزمینی زندگی می‌کند، ضروریات زندگی مادی و عناصر طبیعی این سرزمین را جزء جزء به‌عنوان بستر و محل مادی و عینی فرهنگ قوم در آن ادغام می‌کند به‌طوری که وابستگی به سرزمین ملی و قومی جزء لاینفک فرهنگ و هویت آن قوم می‌شود.

اگر بخواهیم تمام نکات فوق را در یک بیان واحد جمع کنیم، می‌گوییم که ملیت یا قومیت یک مفهوم مجرد فلسفی یا ادبی نیست بلکه بیانگر یک عینیت واقعی اجتماعی است که همبستگی بین افراد آن را فرهنگ، تاریخ و سرزمین آن به وجود می‌آورد. این فرهنگ به‌عنوان ملاط رابطه بین انسان‌ها از سرزمین و طبیعت خود الهام می‌گیرد، تغذیه می‌شود و شرایط مداومت و مقاومت مجموعه را در برابر حوادث تضمین می‌کند. حوادث ناشی از این مقاومت، به‌صورت آگاهی و وجدان به آن حوادث در رابطه با این واقعیت و تعلق به آن به‌صورت هویت شخص و به‌عنوان فردی متعلق به قوم جلوه‌گر می‌گردد که نیروی محرکه فعالیت‌های عاطفی، احساسی، عقلانی و اجتماعی اوست.

این واقعیت عینی (ملیت) مانند هر واقعیت عینی دیگر دارای مرز و حد جداست و از آنجاکه این واقعیت ترکیب درهم بافته‌ای از عناصر انسانی، فکری، تاریخی، جغرافیایی است خود را از واقعیت‌های مشابه متمایز می‌کند. این تمایزهای فردی و درعین حال دسته‌جمعی، مفهوم "مایی" را به وجود می‌آورد که واقعیت آن ملیت است و خودمختاری، بیان چیزی است که آن را استقلال می‌گوییم. بدین‌سان عنصر آزادی را در مفهوم خودمختاری و استقلال درمی‌یابیم.

و هم در رابطه با فقدان هر نوع اشاره به خصوصیات قومی و در نتیجه استقلال ملل در مکاتب جهانی لازم است یادآور شویم که در افکار و مکاتبی که پاره‌ای از روشنفکران و گروه‌های سیاسی ما از غرب دریافت کرده‌اند و آنها را الگوی رفتار سیاسی خود قرار داده‌اند مفهوم استقلال غایب است و کشورهای سلطه‌گر نه فقط نیازی نداشتند و ندارند که مفهوم استقلال، قومیت و ملی‌گرایی را در مکاتبی که در جهان نشر می‌دهند به‌درستی مورد توجه و بررسی قرار دهند، بلکه هر نوع گرایش و توجهی به این مسئله که برای ما حیاتی است، برای آنها سخت خطرناک است چراکه توجه به آن امکان سلطه آنها را بر ما و بر دیگر کشورهای زیر سلطه دچار مشکلات فراوان می‌کند. به این دلیل مفهوم استقلال و وابستگی فرهنگی و قومی در هیچ‌یک از مکاتبی که اینک در بازار

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

مبارزات سیاسی عرضه می‌شوند و همگی خصلت جهانی و جهان‌خوارگی دارند جا و مکانی ندارد و در نتیجه از لحاظ نظری مورد بحث قرار نگرفته است.

در آثار اقتصادی، جامعه‌شناسی و فلسفی که ما از غرب دریافت کرده‌ایم، اعم از آنها که از منابع مارکسیستی یا غیر مارکسیستی آمده است، این مسئله که برای ما و تمامی کشورهای دنیای سوم به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسئله است نه فقط به‌بوته فراموشی سپرده شده است بلکه برعکس در جستجوی راه‌حل‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نسخه‌هایی را تجویز و ترویج کرده‌اند که استقلال ملل را از بیخ و بن مورد حمله قرار می‌دهد.

با در نظر گرفتن نکات فوق، برای نهضت مقاومت ملی ایران که به‌دست‌آوردن استقلال ایران و آزادی ایرانیان به‌عنوان هدف اصلی و بنیادی است بررسی این دو مفهوم و نیز شرایط تحقق آن با در نظر گرفتن واقعیات عینی سیاسی که بر نظم جهان موجود حاکم است و در آن سرنوشت جامعه ما مانند دیگر کشورهای جهان سوم دستخوش تصمیمات و منافع مراکز قدرت‌های جهانی قرار دارد، مسئله‌ای نیست که بتوان حق آن را در چند جمله ادا کرد. به این دلیل نهضت، تحقیق و تعمق در این مسئله را چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ بررسی شرایط تحقق آن دنبال خواهد کرد و از همه وطن‌دوستان و آزادی‌خواهان دعوت خواهد کرد که در این مهم سهیم و شریک شوند.

اما اگر مسئله استقلال از جهتی که در بالا از آن سخن گفتیم موضوعی است که درخور اندیشه و تعمق است، ضرورت آن به‌عنوان شرط لازم و قطعی نجات کشور و مردم ایران از زیر سلطه خارجی امری است مسلم و در رأس تمام برنامه‌هایی قرار دارد که علاقه‌مندان به سرنوشت مردم ایران، آزادی‌خواهان و وطن‌دوستان باید برای آینده جامعه در نظر بگیرند؛ زیرا تصور اینکه بتوان در راه آبادانی کشور و رفاه زندگی مردم و فراهم‌آوردن شرایط تعالی انسان در جامعه خودی قدمی برداشت در شرایطی که تصمیم‌گیری در تعیین راه و روال زندگی ما و نوع استفاده از منابع کشور در اختیار مراکز تصمیم‌گیری بیگانه باشد، تضادی است روشن که تنها سفسطه‌بازان ادعای دفاع از آن را دارند.

وانگهی وابستگی به استقلال و متمرکز کردن فعالیت‌های سیاسی جهت تحقق آن و تلاش در درک وجوه نظری و شرایط تحقق عملی آن بهترین و مطمئن‌ترین چارچوبی است که تمام وطن‌خواهان و آزادی‌خواهان واقعی را بر گرد یک برنامه مشترک جمع می‌کند و تبدیل به بهترین و مؤثرترین نیروی همبستگی بین آنها می‌شود و قادر است هویت سیاسی جنبش ملی را که از این پس با تکیه بر این اصل از ابهام و سرگردانی بیرون خواهد آمد، از هویت سیاسی سازمان‌های دیگری که اینک بر صحنه سیاسی فعال‌اند و نیز فعالیت آنها در چارچوب مکاتب جهانی و جهان‌خواره جز وابسته کردن ایران به سیاست‌های سلطه‌گر گوناگون مثر ثمری نیست، متمایز سازد.

### آزادی

گفتیم که آزادی مفهومی است جدایی‌ناپذیر از استقلال و همان‌طور که اشاره شد اگر استقلال در سطح یک جامعه عدم تبعیت آن جامعه را از مراکز تصمیم‌گیری بیگانه به ذهن القاء می‌کند، آزادی در سطح فرد انسان، عدم تابعیت او را از علیت‌هایی که در خارج از انسان قرار دارند معنی می‌دهد. انسان بدین معنی آزاد است که مستقیماً تابع عوامل اجبار آفرین نیروهای طبیعی و غیرطبیعی نیست. رفتار و کردار او و مخصوصاً آموخته‌ها و هدف‌هایی که تعقیب می‌کند تابع علیت‌های خارجی نیست بلکه ناشی از محرکات درونی او است و هم به این معنی خودمختار است. انسان را این توانایی هست که با بهره‌گیری از قدرت آفرینش خود در عینیت‌های طبیعی دست می‌برد و هم بدین طریق محیط خودمختاری برای خود ایجاد می‌کند. ابزاری که انسان برای ایجاد این محیط خودمختاری و آزادی بکار می‌برد نیروی تخیل و اندیشه است که به او توانایی شناخت و آگاهی و در نتیجه دست‌کاری در نظم طبیعت را می‌دهد و اگر بین انسان و سایر موجودات فرقی است این فرق تنها در آزادی انسان جلوه‌گر می‌شود و بس، و هر آن عاملی که آزادی، و خودمختاری عملکرد خیال و اندیشه انسان را تهدید کند، برخلاف طبیعت آدمی عمل می‌کند و او را از انسانیت بری می‌نماید.

از طرف دیگر امکان شناخت و آگاهی به اسرار طبیعت و نیز امکان دست‌کاری در نظم عادی آن، یعنی تحقق غایت انسانی، از طریق زندگی اجتماعی به دست می‌آید و چنین است که آدمیان در اجتماعات خود بر فرهنگ دست می‌یابند و این فرهنگ را با طبیعت برابر می‌نهند. اما اگر زندگی اجتماعی آدمیان را در رابطه با عوامل طبیعی آزاد می‌کند، در شرایط خاصی همین آزادی او را محدود می‌سازد و این محدود ساختن یا نساختن آزادی انسان‌ها در یک جامعه تابع شکل‌بندی‌های جوامع بشری است. در تمام جوامع بشری و در تمام شکل‌بندی‌های آن، انسان‌ها به یک میزان آزاد نیستند. در جوامعی، انسان‌ها از حداکثر آزادی می‌توانند برخوردار باشند و در جوامع دیگری، انسان‌ها به بندگی و اسارت محکوم می‌شوند و از اینجاست که اختلاف مکاتب و مسالک پدید می‌آید و تلاش تمام مردم آزاده جهان در این بوده است که به شکل‌بندی‌هایی از جامعه بشری دست یابند که در آن آدمیان از حداکثر آزادی برخوردار شوند و اجبارهایی که از زندگی اجتماعی بر آنها تحمیل می‌شود به حداقل ممکن تقلیل یابد.

در جستجوی این توسعه بخشیدن به میدان آزادی، افراد خودی جوامعی به این اقدام دست زده‌اند که جوامع دیگر را تحت سلطه خود گیرند و آزادی بیشتر افراد خود را به قیمت اسارت افراد آن جامعه به دست آورند. از این جا بوده است که تمایل اقوام بر سلطه‌گری سرچشمه گرفته است و این روال تاکنون نه فقط از میان برنخاسته بلکه با پیدایش قدرت‌های جهانی به اوج خود رسیده است و نتیجه عملی آن اینکه اگر افراد انسانی در بین اقوام سلطه‌گر از آزادی نسبی برخوردارند، آزادی انسان‌ها در جوامعی که زیر سلطه قدرت‌ها به سر می‌برند نه فقط محدود شده است بلکه در این جوامع انسان به‌عنوان موضوع اصلی قهر و شکنجه و اسارت درآمده است و انسانیت که شاخص اصلی آن تخیل و اندیشه آزاد است از میان‌رفته است. از توجه به واقعیات که بیانگر زندگی جهان ما است، دو نتیجه حاصل است: یکی اینکه در آن شکل‌بندی‌هایی از جوامع بشری که بر اساس سلطه جامعه‌ای بر جامعه دیگر استوار می‌شود و استقلال اقوام و ملل را از میان برمی‌دارد، آزادی، یعنی غایت و معنی اصیل زندگی انسانی پایمال می‌شود. گفتیم که چگونه آزادی و استقلال تفکیک ناپذیرند، دیگر اینکه حتی در آن جوامعی نیز که اساس زندگی خود را بر سلطه بر جوامع دیگر قرار می‌دهد آزادی کلی افراد آن جامعه از میان بر می‌خیزد چراکه آن جوامع برای تجهیز نیروهای لازم جهت اعمال سلطه خود ناچار از برقراری نظم قهر آمیزی است که آزادی واقعی افراد آن جامعه را میان می‌برد. بدین ترتیب شکل‌بندی‌های اجتماعی که بر اساس مکاتب جهانی و سلطه‌جو به وجود می‌آیند چه در جوامع سلطه‌گر و چه در جوامع تحت سلطه گشوده‌ی آزادی هستند و نیز نابودکننده استقلال؛ نه فقط استقلال کشورهای تحت سلطه بدین طریق از میان می‌رود بلکه استقلال کشورهای سلطه‌گر را نیز دستخوش تزلزل و بی‌ثباتی می‌گرداند چراکه وقتی نظم زندگی اجتماعی را بر این اساس استوار کنند که امکان زندگی مردم جامعه‌ای تابع غارت منابع جوامع دیگر باشد، یک چنین نظمی در هر لحظه در خطر اختلال و بی‌تعادلی قرار می‌گیرد.

بنابراین اگر تلاش جامعه ما برای به‌دست‌آوردن استقلال و رهایی از سلطه بیگانه به نتیجه برسد، از آنجاکه هدف یک ایران مستقل شده از سلطه بیگانه این نیست که جوامع دیگر را تحت سلطه خود درآورد، بهره‌ای که ما خواهیم توانست از استقلال خود به دست آوریم بسط استقلال از سطح اجتماعی به سطح زندگی فردی، یعنی آزادی انسان‌ها، دنباله منطقی تلاش برای استقلال است.

از این گذشته یک چنین آزادی شرط لازم و ضروری توفیق ما در فراهم‌آوردن شرایط عینی استقلال و حفظ و حراست آن می‌باشد چراکه تنها در یک فضای آزاد اجتماعی است که یک اجتماع قادر است تمام نیروها و استعدادها را برای حفظ استقلال تجهیز کند. تخیل و اندیشه و ابتکار که تنها ابزار ما در مقابله با دشمنان استقلال مملکت است جز در یک محیط آزاد بُروز و رشد نمی‌کند. در یک چنین محیطی امکان بسط و توسعه مکاتب و مسالکی که اسارت ایران را هدف خود قرار داده است خودبه‌خود جذب شده و از بین خواهد رفت. یک جامعه مستقل و واقعاً آزاد از نشر افکار ضد آزادی نمی‌تواند هراسی به خود راه دهد چراکه این نوع افکار و اندیشه‌ها تنها در شرایطی رشد و نمو می‌یابد که اختناق و استبداد زمینه‌ای برای آنها فراهم کرده باشد. بدین ترتیب یکبار دیگر روشن می‌شود که رابطه آزادی و استقلال رابطه‌ای است ناگسستنی.

اضافه کنیم که ادعای کسانی که می‌گویند جامعه ایرانی سنت آزادی ندارد (این مفهوم را پاره‌ای از روشنفکران و نخبگان ما از خارج به عاریت گرفته‌اند) تنها بی‌اطلاعی آنها را از فرهنگ و سنت فکری ایران ثابت می‌کند. پایه و اساس فرهنگ ایرانی بر آزادی و آزادی استوار است. عرفان که تجلی عالی فرهنگ ایرانی است و حاصل میراث غنی مذاهب و فلسفه نیاکان ماقبل از حمله عرب بوده است، نه تنها به آزادی بلکه به ارزشی بس والاتر از آن که آزادگی است توجه دارد؛ و مفهوم آزادگی که سرتاسر خلاقیت فرهنگی ما را حتی زیر سلطه استعمارگران عرب فراگرفته است و هم بدین‌وسیله توانسته است سلطه شوم آن قوم را بر جامعه ما



## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

از بیخ و بن متزلزل سازد، مفهومی است که در ادبیات بسیاری از فرهنگ‌ها بیگانه است. چراکه اگر آنها آزادی را برای خود می‌خواستند تا ما را بنده خود کنند، فرهنگ و فکر ایرانی، آزادی را نه فقط برای خود بلکه برای مردم جهان جستجو کرده است و این است مفهوم آزادی.

تکیه بر این مفهوم است که ما را قادر خواهد ساخت که راه و روال مستقل خود را در زندگی اجتماعی پی‌ریزی کنیم و آن الگوی اجتماعی را پدید آوریم که امکان دهد آدمیان به‌غایت مقصود انسانی دست یابند و راه آزادی خود را در بندگی دیگران نجویند.

و چنین است که نهضت مقاومت ملی ایران با تکیه بر این دو اصل مهم پیوسته از همه ایرانیان وطن‌دوست و دل‌آگاه دعوت می‌کند که برای ساختن ایران آزاد و مستقل گرد هم آیند و علی‌رغم محیط یأس‌آوری که سلطه‌گران بیگانه فراهم کرده‌اند و سلطه رژیم آخوندی، آن را تشدید کرده است، با تکیه بر ملیت و فرهنگ ایران برنامه مشترکی را فراهم آورند که به‌موقع اجرا گذاردن آن تنها وسیله نجات ایران از سلطه بیگانه و ایرانیان از قهر و اسارت خواهد بود. حرف و سخن ما این است که دوران موقت سلطه آخوندها، نقطه‌ی ختم قیام نیست بلکه حادثه‌ی زودگذری است که به دلیل جاذبه کاذب خود ما را موقتاً از رسیدن به هدف‌های اصیل ملی بازداشته است. ما باید به همت فرزندان لایق ایران موفق شویم که این دوران موقت را هرچه زودتر پایان دهیم و راه پر افتخاری را که اجداد ما در راه آزادی و آزادگی در طی اعصار و قرون طی کرده‌اند دنبال کنیم و خواست‌های اصلی ملی را تحقق بخشیم.

### عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی سومین خواست اصیل مردم ما در قیام بزرگ ایران بوده است؛ لیکن تحقق آن مستلزم تغییرات بنیادی در ساخت جامعه و تغییر روابط اقتصادی - اجتماعی است. اما شرط اینکه چنین تغییرات بنیادی در کشور ممکن شود این است که قبلاً استقلال و آزادی جامعه عمل پوشیده باشند زیر اولاً بنا بر تعریف، تا زمانی که ما استقلال خود را تحصیل نکرده و آن را استحکام نبخشیده باشیم بیگانگان در تعیین سرنوشت ما و نیز در استفاده از منابع کشور ما دخالت دارند و منافع آنها مغایر با این نوع تغییرات است. از طرف دیگر چگونگی اعمال عدالت اجتماعی و تغییرات بنیادی متناسب با آن مستلزم آزادی است تا گروه‌ها و احزاب نظریات و برنامه‌های خود را در مورد این تغییرات به مردم ارائه دهند و بحث دموکراتیک درباره آنها به عمل آید. بدین جهت در این مرحله از مبارزه سیاسی که هنوز تحصیل استقلال و آزادی در دستور روز قرار دارد و تحقق آن مستلزم اتحاد نیروهای ملی است؛ و این اتحاد تنها می‌تواند بر اساس دو هدف مشترک استقلال و آزادی به عمل آید، پرداختن به برنامه عدالت اجتماعی، لااقل در چگونگی آن، خارج از صلاحیت نهضت مقاومت است. لیکن این امر مانع آن نیست که هر یک از گروه‌ها و احزاب عضو نهضت برنامه خاص خود را در این مورد فراهم کنند و تا زمانی که حکومت ملی موفق شود غاصبان را از حکومت خلع نماید به بحث و مبادله نظر در باره آن پردازند.

برنامه موقت نهضت مقاومت ملی ایران

نهضت مقاومت ملی ایران برنامه کوتاه‌مدت و موقتی زیر را پیشنهاد می‌کند.

### ۱- برانداختن رژیم کنونی

رژیم آخوندی با سوءاستفاده از یک جاذبه کاذب و اعتمادی که رهبران سیاسی و مذهبی سالم از طرف مردم بدان‌ها منتقل کردند بلافاصله پس از ورود به کشور با ایجاد یک محیط رعب و وحشت و از میدان بدر کردن تمام گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های ملی موفق شد قدرت سیاسی را غصب کرده و برنامه‌ی از پیش ساخته شده‌ی را که به کلی برخلاف هدف‌های اصلی قیام بود به مملکت تحمیل کند. در نتیجه اعمال این سیاست کشور ما اینک در بحرانی‌ترین و تاریک‌ترین مراحل تمام تاریخ خود به سر می‌برد. بیگانگانی که با مشاهده قیام مردم ایران به تدریج امید ادامه سلطه خود را به کشور از دست می‌دادند از نو امیدوار شده‌اند و هرکدام در صدد است طرحی نو را به‌منظور استعمار مجدد ایران به‌موقع اجرا درآورد و کشور را بنابر یک رؤیای تاریخی بین خود تقسیم کند. نتیجه رژیم آخوندی در این مدت کوتاه عمر خود به‌قرار زیر بوده است:

### در زمینه آزادی

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

- ایجاد محیط رعب و وحشت از طریق سازمان دادن نیروهای منظم تروریستی
- تحمیل شکل رفتاری جامعه بر اساس معتقدات مکتب فدائیان اسلام
- استقرار یک رژیم قضایی خشن و بی انعطاف که حکم اعدام و زجر و شکنجه در آن به عنوان عادی ترین و رایج ترین ابزارهای استقرار نظم بکار می رود
- اعمال قهر برای پوشانیدن حجاب اسلامی به زنان

- تعطیل روزنامه‌های مخالف
- بستن احزاب و جمعیت‌های مخالف
- توقیف نویسندگان مخالف
- اعدام مخالفان تحت عناوین پوچ و از طریق تهمت‌های ناروا
- سرکوب کردن اقوام مختلف ایرانی تحت عنوان استقرار حکومت امت و ولایت فقیه و ایجاد جنگ داخلی
- درهم کوبیدن تظاهرات و اعتراضات گروه‌های سیاسی به وسیله چماق داران حزب‌اللهی
- و بالاخره، تعطیل دانشگاه‌ها و کشتار دسته‌جمعی دانشجویان در سرتاسر کشور

### در زمینه استقلال

\* رژیم آخوندی بزرگ‌ترین حملات را به ملیت و قومیت ایرانی با شدتی بی‌سابقه دنبال می‌کند:

- تخریب آثار ملی، برچیدن مقبره‌های قدیمی و مساجد و درهم کوبیدن بسیاری از آثار باستانی
  - سوزاندن کتاب‌ها و آثاری که حامل و حاوی تاریخ، فرهنگ و هنر ایرانی است و تحقیر تمام متفکرین و دانشمندان، فلاسفه، شاعران و بزرگانی که در طول تاریخ از بنیان‌گذاران فکری این ملیت و فرهنگ بوده‌اند.
  - جابه‌جا کردن نام‌ها و سمبل‌های ملی با نام‌ها و سمبل‌های بیگانه
  - معرفی کردن وابستگی به ارزش‌های ملی به عنوان گناه کبیره و جایگزین کردن امت به جای ملت
  - از بین بردن کادرها و طبقات به‌صرف تأثیر وجودی آنها در جامعه
  - از میان برداشتن سمبل شیر و خورشید که نشانه‌ای از مداومت فرهنگی قبل از اسلام ایرانی است به اسم طاغوت
- میزان وحشیگری که رژیم آخوندی برای از میان بردن محتوی ملی و فرهنگی بکار برده است به قدری حیرت‌انگیز است که از جمله سبب شده است به اعتبار جهانی ایران در زمینه تمدن و فرهنگ نیز صدمه‌ای بزرگ وارد آید.
- \* ابزار اساسی و شرط استقلال یک قوم و یک ملت را عدم وابستگی اقتصادی آن قوم به خارج تأمین می‌کند.
- رژیم آخوندی با تخریب آگاهانه و سیستماتیک تمام پایه‌های تولید و ایجاد شرایط وابستگی هرچه بیشتر مملکت به خارج، این شرط اساسی استقلال ما را دچار خسران فراوانی کرده است.
- نیروی مدافع استقلال هر جامعه را ارتش آن جامعه تشکیل می‌دهد. رژیم آخوندی نابود کردن ارتش ایران را جزو اولین هدف‌های آشکار خود قرارداد و تا آنجا که توانست با کشتن یا فرار دادن افسران و درجه‌داران آن را تضعیف نمود به طوری که مملکت از داشتن هر نوع نیروی دفاعی مؤثر بی‌بهره ماند.
  - روحیه مقاوم و نیرومند در مقابل دشمنان خارجی یکی از عوامل مؤثر در حفظ استقلال و تجهیز مردم در مقابل حمله بیگانگان است.
- رژیم آخوندی با ایجاد یک محیط رعب و وحشت و نیز با ایجاد جنگ‌های داخلی و از بین بردن هر نوع امید جهت استقرار یک رژیم سالم و ملی با تمام قوا کوشش به عمل آورد تا این روحیه را تضعیف کند و از میان ببرد.

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

بدین ترتیب رژیم آخوندی به اصل استقلال و نیز به شرایط حفظ استقلال ایران بزرگ‌ترین صدمات ممکن را وارد آورده است و کشور را بدون هیچ نوع وسیله دفاعی در معرض هجوم تمام نیروهایی قرار داده است که در طمع سلطه بر آن قرن‌ها چاره‌جویی می‌کرده‌اند.

اما این سؤال پیش می‌آید که رژیم آخوندی این مقدمات را برای نابودی استقلال ایران به نفع چه قدرتی انجام داده است؟ جوابی که رژیم آخوندی به این سؤال می‌دهد این است که ایران بایستی به‌عنوان تکیه‌گاه اصلی امت اسلامی تجدید سازمان شود. لیکن واضح است که امکان تجدید امپراتوری اسلامی آن‌هم در کشوری که خود یکی از بزرگ‌ترین عوامل نابودکننده این امپراتوری بوده است از محالات است و تنها نتیجه‌ای که از جنایات بی‌پایان رژیم آخوندی حاصل شده است این است که ایران یکبار دیگر در معرض هجوم و سلطه نیروهای توسعه‌طلبی قرار گیرد که این رژیم به اسم مبارزه با آنها وارد میدان شده است؛ بنابراین اولین مرحله مبارزه در راه نجات کشور عبارت از تلاش برای ازمیان‌بردن رژیم آخوندی و استقرار یک حکومتی است که از خواست‌های اصلی قیام مردم ایران الهام بگیرد و در راه تحقق هدف‌های نهضت ملی ایران اقدام کند.

### ۲- امنیت

رژیمی که جانشین حکومت غاصب فعلی خواهد شد ترکیبی است از اپوزیسیون ملی که تحقق آزادی و استقلال را سرفصل برنامه خود قرار خواهد داد و قبل از هر کار برای ازمیان‌بردن خرابی‌هایی که رژیم آخوندی ببار آورده است و همچنین فراهم کردن محیط مساعد جهت رشد و نمو نیروهای خلاق جامعه، به اقدامات زیر دست خواهد زد:

مبارزه با روحیه کین و عصیان که ابزار اساسی استقرار حکومت آخوندی بوده است. لازم است که این حالت روان‌شناسی تحریک شده‌ای که رژیم آخوندی به وجود آورده و کین را به‌جای مهر نشانده است، تعویض گردد. لازم است همبستگی ملی و آرامش اجتماعی بازگردد تا امکان تفکر و اندیشه برای مقابله با ویرانی‌های رژیم آخوندی و نیز مقابله با فتنه‌های مراکز بیگانه که در صددند آب رفته را به جوی باز آورند، فراهم شود.

لازم است که زندگی فردی و اجتماعی گردش عادی و طبیعی خود را بازیابد و مخصوصاً توده عظیم کارگران و دهقانان، کارمندان و پیشه‌وران، و دانشجویان و تجاری که در اثر این بلای خانمان‌سوز امکان زندگی عملی را ازدست داده‌اند، محیط امنی برای خود احساس کنند. تهیه کار برای بیکاران، مسکن دادن به نیازمندان و کسانی که خانه و زندگی خود را به‌ناحق از دست داده‌اند، تأمین خواربار و از نو بکار انداختن مدارس در محیطی خالی از رعب و وحشت فراهم شود.

و هم در رابطه با این بند از برنامه یادآور می‌شویم که حکومت موقت ملی برای از میان برداشتن آثار شوم حکومت آخوندی به انتقام‌جویی دست نخواهد زد و تنها مسئولین واقعی و مستقیم این فتنه را تسلیم دادگاه‌های قانونی می‌کند تا نسبت به سهمی که در تخریب مملکت داشته‌اند به سزای اعمال خود برسند.

همچنین چندین گروه قضایی رسیدگی به وضع کسانی را که در دادگاه‌های اسلامی محکوم [شده] و خسارت دیده‌اند را به عهده خواهند گرفت و نیز گروه‌هایی از کارشناسان امور قضایی به پرونده کسانی که به‌اصطلاح مشمول پاک‌سازی از ادارات و شرکت‌های دولتی و خصوصی شده‌اند رسیدگی کرده و در کوتاه‌ترین مدت آراء خود را صادر [نموده] و به‌موقع اجرا خواهند گذاشت. دولت نسبت به پرداخت خسارات اشخاص حقیقی و حقوقی که در این دادگاه‌ها ذی‌حق شناخته شوند متعهد خواهد بود.

ضرورت ایجاد محیط امن، آرام و سالم چنان روشن است که نیازی به بحث ندارد. تنها در چنین محیطی است که رفع اختلافات باورهای سیاسی از طریق بحث و تبادل نظر میسر می‌گردد و به پیدایش خشونت تجدید محیط ارباب و تهدید منتج نمی‌شود.

به دلایل فوق، ماده دوم برنامه‌ای که نهضت مقاومت ملی ایران پیشنهاد می‌کند ایجاد محیط آرام و امن به‌منظور فراهم آوردن شرایط بحث آزاد در یک محیط دموکراتیک است. باید محیط روانی خشم و کینه که گشوده‌ی حس مسئولیت و موجب برخورد‌های بر باد دهنده مملکت است جای خود را به محیط آرام و مهرجو بدهد تا دشمنان نتوانند در چنان محیط آشوبی از نو برنامه‌های از

## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

قبل تنظیم شده خود را بما تحمیل کنند. در یک چنین محیطی است که حکومت موقت ملی مقدمات انتخاب و استقرار یک رژیم متناسب با خواست‌های امروزی مردم و ملت را از طرف مردم فراهم خواهد کرد.

### ۳- ترمیم اقتصادی

در این دوران سیاه وضع اقتصادی ایران به ورشکستگی گراییده است. از نظر تجارت خارجی کشور ما به طور تعیین‌کننده‌ای صادرکننده نفت خام و بیشتر واردکننده کالاهای مصرفی بوده است که آن‌هم بر اثر سیاست‌های احمقانه‌ی «امام» که مانند دون کیشوت بر سر صدور انقلاب اسلامی خود به ممالک هم‌جوار بود، در جنگ با همسایه غربی ما، عراق، صدور نفت خام متوقف گردیده و صنایع مربوط به آن درهم شکسته است که در حال مانند دیگر صنایع ما نیازمند بازسازی است.

بازار مالی ایران رو به وخامت نهاده و علی‌رغم رکود اقتصادی با تورم فزاینده‌ای روبروست که نشر بی‌رویه اسکناس را می‌توان از عمده عوامل این تورم دانست. کاهش پشتوانه اسکناس علاوه بر تأثیر نامطلوب بالا در شوریدگی اقتصاد کشور نقش بسیار مؤثری را داراست.

در دوران حکومت موقت و در ترمیم اقتصادی، سخن بر سر آن نیست که سیاست معینی در توزیع درآمد ملی اعمال شود. تصمیم در این باره منوط به عقاید گروه‌های سیاسی است که در انتخابات حائز اکثریت خواهند شد. در این دوران، دولت به قیومیت از طرف مردم نسبت به نهادهای تولیدی و بانکی و خدماتی اعم از خصوصی یا دولتی عمل خواهد کرد و پس از بازگشت به وضع عادی، چگونگی توزیع و تنظیم سیاست‌های اقتصادی و خط‌مشی‌های اجرائی آن را به عهده دولت برگزیده‌ی مجلس که خود نمایندگی از سوی مردم را خواهد داشت، واگذار خواهد نمود.

### ۴- تشکیل مجلس مؤسسان و انجام انتخابات آزاد

به دنبال جنبش سال ۱۳۵۷ در حالی که ملت ما فریب‌خورده و عصیان زده بود، رفراندوم و به دنبال آن مجلس «خبرگان» سپس تدوین قانون اساسی و آنگاه انتخابات مجلس اسلامی صورت گرفت.

مردم در رفراندوم به تصور آنکه نتیجه‌ی آن مجلس مؤسسان و سپس یک قانون اساسی متضمن اعمال حق حاکمیت خود را خواهند داشت، مشارکت کردند. وقایع بعدی به سرعت نشان داد که نه از مؤسسان خبری است نه از حق حاکمیت. بدین‌سان به‌طور محسوس شور و شوق مردم با سلب اعتماد از دستگاه آخوندی که دیگر در این مراحل دستشان برای ملت رو شده بود از میان رفت و بسیاری از گروه‌های سیاسی با ارباب از مشارکت در انتخابات محروم شدند و بسیاری خود، آن را تحریم کردند. مردم کردستان و بسیاری نقاط دیگر یکسره علیه رژیم قیام کردند و در نتیجه رأی‌گیری در غالب آن شهرها صورت نگرفت و در موارد اندکی نیز که نمایندگان از این مناطق برگزیده شده بودند، «امام» آنها را مفسد فی الارض خواند و با استفاده از اختیارات خودش آنها را مطرود شناساند. حاصل آنکه همه اقدامات رژیم یکسره از سوی مردم واقعی ایران باطل و بی‌اعتبار گردید.

با توجه به همین امر نهضت مقاومت ملی ایران بر همه آثار ناشی از جمهوری اسلامی با جرئت خط بطلان می‌کشد؛ بنابراین آخرین مرحله‌ای که نهضت مقاومت ملی ایران در اتحاد ملی به‌عنوان برنامه‌ی خود پشت سر خواهد نهاد تشکیل مجلس مؤسسان خواهد بود تا نسبت به تطبیق قانون اساسی ۱۹۰۶م متناسب با نیازهای روز و تصویب قانون انتخابات آزاد تصمیم‌گیری کند.

دولت موقت در این هنگام کار خود را پایان‌یافته تلقی کرده و کلیه امر را به دولت برگزیده‌ی مجلس نمایندگان مردم تفویض خواهد نمود.

اکنون که تمام اذهان متوجه لزوم شکل‌یابی هرچه زودتر یک نیروی جانشین ملی است که قادر باشد بلافاصله زمام امور مملکت را به دست گرفته و نیروی مردم را برای حفظ استقلال و فراهم آوردن شرایط لازم استقرار یک جامعه انسانی و آزاد فراهم کند، نهضت مقاومت ملی ایران با در نظر گرفتن تمام شرایط داخلی کشور و نیز با توجه به خطراتی که از طرف منابع خارجی استقلال ما را تهدید می‌کند و هم با در نظر گرفتن تجارب گذشته در زمینه اتحاد نیروهای ملی، اعلام می‌دارد که تنها چارچوب سالمی که قادر است هدف‌های فوق را تحقق بخشد و تمام نیروهای سالم ملی را گرد یک برنامه‌ی مشترک فراهم آورد اصول و برنامه‌هایی



## اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران

است که در این بیانیه ارائه شده است؛ بنابراین از تمام وطن‌خواهان، آزادمردان و علاقه‌مندان به استقلال مملکت چه در داخل و چه در خارج دعوت می‌کند که از تنگ‌نظری‌های رایج و محاسبات بی‌پایه چشم پوشیده صفوف خود را به دور برنامه ارائه داده شده سازمان دهند.

### نهضت مقاومت ملی ایران

\*تجدید چاپ،

به مناسبت سی و نهمین سال تأسیس نهضت مقاومت ملی ایران

روز دوشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۹ / ۵ اوت ۲۰۱۹، سالگرد نهضت مشروطه ایران

نشریه اینترنتی نهضت مقاومت ملی ایران

<https://www.namir.info>

---

نهضت مقاومت ملی ایران  
بنیانگذار دکتر شاپور بختیار  
National Movement of the Iranian Resistance  
NAMIR  
Founded by Chapour Bachtiar